

## مقدمه

پژوهش های گسترده ای درباره مشروطه ایران انجام شده است؛ با این وجود، نانوشته ها و تحریفات بسیار است. فهم عمیق تر دوره مشروطه و بستری که این جنبش در آن رشد و تکوین یافت و همچنین آگاهی از ماهیت و روند تحولات اندیشه ی مشروطه خواهی و مشروطه طلبان مستلزم دقت و کنکاش بیشتری است. آنچه مسلم است این که برخی از نظرهای شایع و مورد باور همگان، با اسناد و مدارک معتبر تاریخی همخوانی ندارد؛ از جمله نقش انگلستان به عنوان نیروی محرکه انقلاب مشروطه که در این تحقیق بدان پرداخته خواهد شد. در زمانی که انقلاب مشروطیت در ایران شکل گرفت، روس و انگلیس دو قدرت بزرگ جهانی بودند که برای حفظ منافع خود درصدد نقش آفرینی در حادثه عظیم مشروطه برآمدند. اینکه نقش این قدرت ها ایجابی و مؤید حرکت مشروطه در ایران بوده یا سلبی و نافی، موضوع مورد تأملی است که در باب آن نوشته ها و سخنان متفاوت و حتی متضادی ارائه شده است. عده ای از نویسندگان چنین پنداشته اند که انقلاب آزادی و مشروطیت ایران، ساخت انگلستان بوده است و عوامل اجرای آن (مشروطه خواهان) در واقع عامل انگلستان بوده اند؛ در حالی که گروهی دیگر این عقیده را باطل می دانند و معتقدند که سیر آزادی و برقراری حکومت قانون در ایران حداقل از یکصد سال قبل آغاز گردید. آنچه از مطالعه وقایع و حوادث کوچک و بزرگ در قرون متفاوت حاصل می شود، این است که هیچ واقعه ای هرچند کوچک بی آن که از دیر زمان علل آن متراکم و مجتمع شده باشد، ممکن نیست. انقلاب و شورش که در سال ۱۳۲۳ه. ق در ایران روی داد، از این قاعده ی کلی خارج نیست. آنچه در پرده ی ابهام قرار داشت، این بود که چگونه و به چه شکل به منصف ظهور پیوسته بود.

**چهارچوب طرح تحقیق:** سعی بر آن است که مشخص شود در آستانه انقلاب مشروطیت ایران، شرایط سیاسی و اجتماعی ایران چگونه بوده و نیز هدف انگلستان از دخالت و موضع گیری های خاص آن در شرایط خاص تا زمان فتح تهران به چه صورتی انجام پذیرفته است.

## سؤالات:

۱- چرا دولت انگلستان تلاش نموده است خود را حامی حرکت مردم و انقلاب نشان دهد؟

۲- اوضاع جهانی در آستانه انقلاب مشروطیت چگونه بوده است؟

۳- رویارویی دو دولت روس و انگلستان در مقابل انقلاب مشروطیت چگونه بود؟

۴- شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در آن زمان چگونه بوده است؟

### فرضیه ها:

جهت پاسخ به سؤالات فوق، فرضیه های ذیل مطرح می شود که عبارتند از:

۱- دولت انگلستان در جریان قیام تنباکو به جایگاه و اهمیت مردم ایران و مهم تر از همه علما و پیشوایان دینی پی برده بود. از طرف دیگر بین دو کشور روسیه و انگلستان بر سر تسلط بر منابع و نفوذ بین دولتمردان ایران رقابت شدیدی وجود داشت؛ ضمن این که در این مقطع، روس از انگلستان بر هیأت حاکمه تسلط بیشتری داشت.

۲- دولت انگلستان خواهان این بود که در ایران حکومت مستقل ضعیفی وجود داشته باشد تا برای مستعمره ی این کشور ، هندوستان، نیز خطری نداشته باشد؛ لذا برای جا باز کردن در قلوب مردم، خود را حامی مشروطه نشان داد. از طرف دیگر انگلستان امید داشت در صورت پیروزی انقلاب و تشکیل کابینه، بتواند با پایگاه مردمی که پیدا کرده، در هیأت حاکمه و وزرا نفوذ پیدا کند و از رقیب دیرینه خود پیشی بگیرد و یا حداقل سهمی چون روس داشته باشد.

۳- نهضت مشروطه خواهی در میان برخی روشنفکران از طبقات مختلف ایران هنگامی آغاز شد که در سراسر قاره پهناور آسیا غیر از ژاپن، همه جا رژیم خشن حکومت مطلقه فردی برقرار و قسمتی از این قاره عظیم در سلک مستعمرات دول زورمند اروپایی درآمده بود. بریتانیای کبیر پایه های قدرت شگرف اقتصادی خود را بر ذخایر طبیعی و انسانی شبه قاره هند، برمه، قسمتی از شبه جزیره عربستان و بخشی از کرانه های چین استوار نموده بود. فرانسه و هلند در آسیای جنوب شرقی بر منابع طبیعی و انسانی آن نواحی مسلط بودند و روسیه تزاری، امپراطوری مستعمراتی پهناوری از کوه های اورال تا کرانه اقیانوس آرام و از مرزهای ایران و چین تا اقیانوس منجمد شمالی به

وجود آورده بود. در کشور عثمانی مقارن مشروطیت ایران، جنبش های آزادی خواهی و مشروطه طلبی آغاز گردید و با چند ماه تفاوت زمان، رژیم حکومت پارلمانی نخست در ایران و سپس در کشور عثمانی برقرار گردید.

۴- از میزان جمعیت ایران در آستانه نهضت مشروطیت، اطلاع دقیقی نداریم. براساس تخمین ها از نه میلیون تا بیست میلیون نفر ذکر شده است. شهرهای ایران کوچک بودند. تهران بعنوان بزرگ ترین شهر، جمعیتی در حدود سیصدوهشتاد هزار نفر و پس از آن تبریز سیصدوهفتاد هزار نفر. جمعیت بقیه شهرهای ایران زیر صد هزار نفر بوده است. طبقات اجتماعی از بالا به پایین طبقه حاکم، شاهزادگان، اشراف، زمینداران بزرگ، سران ایلات و عشایر.

اکثریت اینان زمینداران بزرگ و بطور عمده کشاورزی در دست آن ها بود. شاه و ولیعهد در هر دوره ای جزو زمینداران بزرگ محسوب می شدند؛ بنابراین زمین یک عامل عمده قدرت محسوب می شد و زمینداران بزرگ از شمال تا جنوب تهران گسترده شده بودند. در نیمه دوم قرن نوزدهم، پدیده جدید اقتصادی در ایران اتفاق افتاد؛ بدین ترتیب که ایران به حوزه مناسبات بین المللی راه یافت و در مرزهای شمالی با از بین رفتن نظام فئودالی و سرواژ در روسیه در ایران تحت تأثیر بازارهای خارجی، کشاورزی تجارتي رشد کرد. زمین ارزش بیشتری پیدا کرد و در نتیجه ثروتمندان به خرید زمین روی آوردند. اینجا بود که بازرگانان و علمای ثروتمند نیز خواهان خرید زمین شدند؛ نتیجه آن که در آستانه انقلاب مشروطیت، یک طبقه بزرگ و ثروتمند زمیندار بوجود آمد که موجب درهم شکستن طبقه زمیندار قبلی شد.

### پیشینه تحقیق:

پیرامون موضوع مورد بحث، تحقیق یا رساله ای به نگارش درنیامده است. فقط رسول جعفریان در این زمینه کتابی نوشته که آنهم جامع و کامل نیست. بخصوص که درباره دخالت انگلیس در حادثه مشروطه، نوشته ها و سخنان متفاوت و متضادی ارائه شده است. برخی مشروطه شدن ایران را مورد تأیید دو قدرت بزرگ دانسته و برخی نقش منفی برای روس و انگلیس قایل شده اند. در میان کسانی هم که نقش انگلیس و روس و بخصوص انگلیس را در حرکت مشروطه، ایجابی تلقی نموده اند، تحلیل ها به نهج واحدی سیر نکرده است و گرایش های مختلف و حداقل دوگانه ای را در تبیین این نقش در آثار و نوشته های متقدم و متأخر مربوط به مشروطیت می توان سراغ گرفت. آنچه این نوشتار قصد پرداختن به آن را دارد، نقش متعادل انگلیس با در نظر گرفتن دیگر عواملی که در این

حادثه مؤثر بودند و این که اگر انگلستان خود را حامی مشروطیت نشان می داد، از طریق پایگاه مردمی مشروطیت ، در نهایت به منافع و اهداف خود رسید.

### روش تحقیق:

روش تحقیق در این رساله، روش تاریخی با تکیه بر منابع کتابخانه ای است؛ بدین معنی که گردآوری اطلاعات و تحلیل وقایع بر اساس منابع دست اول و منابع و مآخذ جدید که به موضوع موردنظر پرداخته اند، صورت گرفته است. نیز شیوه ارجاع ، درون متنی است. فهرست منابع و مآخذ بر اساس کتاب **آیین نگارش مقاله علمی – پژوهشی** محمود فتوحی رود معجنی تنظیم شده است. این رساله شامل یک مقدمه و چهار فصل است: **فصل اول:** کلیاتی پیرامون جنبش مشروطیت، **فصل دوم:** شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در آستانه نهضت مشروطیت، **فصل سوم:** نقش انگلستان در مشروطیت، **فصل چهارم:** شرایط جهانی عصر مشروطه.

## معرفی منابع اصلی:

- ۱- کتاب آبی (گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران) از ۱۹۰۶- ۱۹۱۲ م در هشت جلد : به کوشش احمد بشیری.

از لحاظ اهمیت این مجموعه گزارش ها، درست در زمانی که نهضت مشروطیت ادامه داشت، نوشته شده است و در اساس نه برای استفاده ایرانیان، بلکه برای استفاده دولت انگلستان نوشته شده است؛ لذا در نوشتن آن ملاحظات سیاسی رعایت نشده است و چون تدوین کننده قصد داشته که بیشترین اطلاعات را کسب نماید، تلاش نموده از جزئی ترین تا کلی ترین مسائل را به نگارش درآورد و معمولاً تمرکز نویسندگان بر شهرهای مهم است؛ ولی در عین حال گزارش های محرمانه حتی از شهرهای محروم و روستاها ذکر شده است. این گزارش ها علیرغم محاسن، دارای ایراداتی نیز هست. این گزارش ها در دوره مشروطیت به دستور سردار اسعد به چاپ رسید که جزو فاتحین تهران بود و خودش مشاغل مهمی را برعهده داشت. بنابراین دارای مدارک دست چین شده است و مهم تر آن که توجیه گر سیاست کشور متبوعش، یعنی انگلستان است و چون دولت انگلستان در مقابل روسیه، سیاست خاص خودش را در قبال نهضت مشروطیت داشته است، اسناد و مدارک موجود نیز بر همان اساس تدوین شده است. بنا بر این استفاده از این مجموعه در کنار منابع دیگر، خالی از فایده نخواهد بود.

## ۲- حیات یحیی : یحیی دولت آبادی

این کتاب درحقیقت، مشاهدات و خاطرات نویسنده در دوره مشروطیت است. در جلد اول کتاب حیات یحیی، نویسنده ابتدا به شرح کودکی و نوجوانی خود می پردازد و این که چگونه آموزش دیده است. مؤلف سپس شرح مفصلی راجع به محافل آموزشی مانند انجمن معارف و دیگر مدارس ارائه می دهد. در فصول آخرین کتاب، دولت آبادی به موقعیت جنوب ایران و رقابت انگلیس و روس توجه می کند و به حرکت های مردم جنوب به کرات اشاره می کند و سرانجام جلد اول را با توصیفی از زندگانی مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزا ولیعهد به پایان می برد. جلد دوم حیات یحیی، کماکان به اوضاع داخلی، واقعه گران شدن قند و مطالبه ملت می پردازد. ویژگی های سلطنت محمدعلی شاه، متمم قانون اساسی، وقایع میدان توپخانه تهران و بهارستان از مطالب قابل توجه این کتاب

است. فصل های آخر به بررسی اوضاع داخلی ایران و حرکت انجمن های مختلف و سرانجام چگونگی تبعید نویسنده اختصاص یافته است. جلد سوم حیات یحیی، ادامه داستان تبعید یا مسافرت نویسنده به خارج کشور است. داستان سفر نویسنده و جزئیات آن، با وجود خصوصی بودن آن، از جمله مطالب گیرا و خواندنی است که در واقع شرحی از حقایق زمان است که بر عده ای اتفاق می افتد. دوره اقامت نویسنده در قفقاز و سپس قسطنطنیه، همزمان با حرکت های مردم عثمانی است که از نقطه نظر تاریخ معاصر اهمیت دارد. چگونگی سفر نویسنده به لندن، جهت شرکت در کنگره مسائل نژادی، اقامت در فرانسه و سوئیس و تماس های وی با ایرانیان خارج از کشور، فصل های دیگر کتاب را شامل می شود. فصول بعدی کتاب که به حکومت بختیاری ها در ایران، شروع جنگ جهانی اول در اروپا و تأثیر آن بر جامعه ایران و دخالت کشورهای بیگانه در ایران و رویدادهای غرب ایران با کمک آلمانی ها می پردازد، قابل تعمق و تأمل بیشتر است. جلد چهارم حیات یحیی، در فصول اولیه همچنان ادامه تجربیات و مشاهدات نویسنده در خارج از ایران است. حوادث بعدی کتاب شامل کار میرزا کوچک خان، معاهده روس و ایران، روی کار آمدن سردار سپه، ریاست کل قوا شدن سردار سپه، زمزمه جمهوری شدن ایران و بالاخره پایان سلطنت قاجار و آغاز حکومت پهلوی و عاقبت کار نویسنده در ایران است.

### ۳- تاریخ مشروطه ایران: احمد کسروی

کتاب تاریخ مشروطه از دیگر منابع مهم شناخت دوره مشروطه است. از ویژگی های این کتاب، استفاده از خاطرات دست اندرکاران مشروطه است؛ هرچند در مطالعه تاریخ یا در بررسی زندگانی شخصیت های تاریخی، محقق همواره گذشته را خالی از اغراض و بدون دخالت باورها و دیدگاه ها، نمی تواند ارائه نماید. کسروی به جای این که اساس تاریخ خود را بر رویدادهای دربار و مجلس، نشان دادن شخصیت های مشهور و رهبران مشروطه بگذارد، به نقشی که افراد خرده پا و طبقات فرودست در انقلاب داشته اند، توجه نموده و از خلال نوشته های این کتاب است که ما امروزه از نقش عظیم افرادی چون ستارخان آگاه هستیم؛ هرچند در کتاب کسروی پیشداوری ها و گاه تحلیل های نادرست و نیز بدبینی شدید به علما و مانند آن به چشم می خورد؛ اما باید پذیرفت که محاسن این کتاب باعث شده تا امروز از مهم ترین منابع پژوهشگران مشروطیت محسوب شود. کسروی این کتاب را در ۳ بخش تألیف نموده است و در خصوصیات انقلاب مشروطه و جزر و مدهای آن، روحیات خوب را تا حدودی با صداقت و

درستی تشریح و توصیف نموده است؛ البته می توان در برخی موارد با تحلیل های کسروی موافق نبود؛ بویژه هنگامی که با مذهب و تصوف مخالفت کرده است. کسروی بعنوان شاهد زنده قضا و رویدادهای انقلابی دوره اول، آن ها را به رشته تحریر کشید؛ بطوری که خودش اقرار نموده و در زمان انقلاب در آذربایجان بوده، سن کم به او اجازه نمی داده که در مراکز انقلابی شرکت داشته باشد و از آنچه در سایر بلاد ایران می گذشته، به کلی بی اطلاع بوده و اطلاعات مختصری داشته است. قسمت عمده تاریخ مشروطه کسروی در اطراف حوادث و وقایعی است که در آذربایجان رخ داده است و مهدی ملک زاده نقل می کند که وقتی به او اعتراض نمودم چرا از انقلابات سایر شهر های ایران که هر یک در پیدایش مشروطیت سهم مهمی داشته اند، سخن نگفته و حق آنان را ادا نکرده؟ او جواب داد که اطلاعات کافی در دسترس خود نداشته و موفق نشده است که از اوضاع و چگونگی احوال انقلابات آن بلاد اخبار مورد اعتماد بدست آورد و فقط به آنچه شنیده بود، قناعت کرده؛ ولی در مورد حوادث و انقلاب های آذربایجان مخصوصاً تبریز، الحق وظیفه یکنفر مورخ کنجکاو و محقق را انجام داده و گنجینه سودمندی از وقایع آن سامان جمع و به طبع رسانیده که در خور سپاسگزاری و قدردانیست. (ملک زاده، ۱۳۸۳: ۸) به همین دلیل مهدی ملک زاده اعتقاد دارد که تاریخ مشروطه کسروی را به نام تاریخ انقلابات مشروطیت در آذربایجان اگر بنامیم، بهتر است. کتاب تاریخ مشروطه کسروی شامل ۳ بخش است: **بخش یکم** شامل ۵ گفتار است: گفتار **یکم**: ایرانیان چگونه بیدار شدند که در این گفتار به نقش روشنفکران، متفکران، تأسیس مدارس و دخالت و نفوذ بیگانگان پرداخته است. گفتار **دوم** با عنوان جنبش مشروطه خواهی چگونه پیدا شد که علل و عوامل مختلف را مدنظر قرار داده است. در گفتار **سوم** تبریز چگونه برخاست که به انگیزه های مردم آذربایجان، درگیری های فرقه ای در آذربایجان و گرفتاری های مردم همانند استان به تشریح سخن گفته است. گفتار **چهارم**: چه کشاکش هایی با محمدعلی میرزا برخاست که در این گفتار از پیشامدهای سال یکم مشروطه یعنی از زمان مرگ مظفرالدین شاه تا هنگام آمدن میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک) به ایران حوادث را بیان نموده است. در گفتار **پنجم** جستجو از حال مردم به تأثیرات جنبش مشروطه در شهرهای ایران و از تأسیس دبستان ها و روزنامه های مختلف که در ماه های نخست جنبش مشروطیت تشکیل شده، صحبت می نماید.

در بخش دوم که شامل گفتارهای ششم الی دهم است، موضوعاتی همانند اتابک به چه نیرنگ هایی کوشید؟ نبرد مشروطه و مشروعه به کجا انجامید؟ چگونه دربار به آرامش گرایید؟ چگونه باردیگر کشاکش آغاز یافت؟ جستجو از حال مردم مطلب گفته شده است. در واقع او داستان سرای انقلاب مشروطه است و توانسته سیمای واقعی ملت را خوب تحلیل کند و نام شهدای گمنام پیش برنده نهضت مشروطه را زنده کند.

بخش سوم کتاب پیرامون حوادث استبداد صغیر و وضعیت تبریز که شامل گفتار یازدهم الی پانزدهم است و این عناوین را دارد: چگونه مجلس به توپ بسته شد و حوادث بمب باران مجلس و اتفاقات تهران. جنگ در تبریز چگونه آغاز یافت؟ چگونگی شرح گشایی مشروطه خواهان و جریان محاصره تبریز و چگونگی به تنگنا افتادن دوباره تبریز.

هیچ کس مانند کسروی نتوانسته اوضاع تبریز را توصیف نماید. سبک و شیوه ی نگارش وی متأثر از سبک نگارش خواجه ابوالفضل بیهقی است.

#### ۴- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران: دکتر مهدی ملک زاده

این کتاب که یکی از مهم ترین آثار مربوط به تاریخ مشروطه است، تألیف دکتر مهدی ملک زاده، فرزند یکی از رهبران مشروطیت به نام ملک المتکلمین است. ملک المتکلمین از شهدای نامدار مشروطیت بود؛ مؤلف در نوجوانی شاهد بسیاری از وقایع بوده و کشمکش های میان استبداد و آزادی را به چشم دیده است و از جانب پدر نیز، اطلاعات زیادی درباره مشروطه به دست آورده و به علت شرکت در بعضی وقایع و ارتباط با سران مشروطه، اطلاعات دست اولی درباره مشروطه، در کتاب خود ارائه کرده است. به همین علت باید تألیف وی را در زمره مهم ترین منابع آن عصر دانست. یکی از ویژگی های مهم این کتاب آن است که مؤلف کمتر نامی از خود، در جریان حوادث برده و بیشتر سعی نموده خود را تماشاچی صحنه عظیم انقلاب بداند.

تاریخ انقلاب مشروطیت ایران شامل پنج جلد است: جلد اول دارای یازده فصل است که از فصل اول تا پنجم به صورت نظری و با دیدی نقادانه به اوضاع ایران پیش از مشروطیت و اهمیت نهضت پرداخته و تأثیر اقلیت روشنفکر در آگاهی دادن به مردم را مورد توجه قرار داده است؛ اما از فصل ششم به حوادث و علل موجد مشروطیت پرداخته



است و مواردی چون دخالت بیگانگان، متفکران و رهبران نهضت، وضعیت دربار بخصوص میرزاعلی اصغرخان اتابک و تسلط همه جانبه وی در امور کشور بیان شده است.

**جلد دوم** شامل دوازده فصل است که حوادث با توجه به مقطع زمانی، مورد بررسی قرار گرفته است. از تحصن اولیه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) آغاز شده و سپس موارد مسیونوز، مهاجرت صغری و کبری، تحصن در سفارت انگلیس تا فرمان مشروطیت و مرگ مظفرالدین شاه بیان می شود. فصل دوازدهم راجع به حوادث شهرستانها و یک فصل به تحلیل روزنامه های قبل از مشروطیت و دوران مشروطیت اختصاص یافته است و نویسنده به خوبی توانسته نقش سازنده مطبوعات در پیشبرد نهضت را بیان نماید.

**جلد سوم** این کتاب شامل نوزده فصل است که حوادث از ابتدای سلطنت محمدعلی شاه و صدارت میرزاعلی اصغرخان اتابک بیان می شود و قرارداد ۱۹۰۷ م که منجر به تقسیم ایران به وسیله دو دولت استعمارگر انگلستان و روسیه شد، توصیف و به اقدامات مخالفان مشروطه و واقعه میدان توپخانه تا سوء قصد به جان محمدعلی شاه و رفتن محمدعلی شاه به باغ شاه و تهیه مقدمات برای مبارزه با مجلس شورای ملی و طرفداران مشروطیت پرداخته می شود. باید در نظر داشت که این کتاب در ردیف بهترین منابع برای درک رویدادهای مشروطه است که با توجه به اقامت زیاد ملک زاده در خارج و سکونت در فرانسه از سن نوزده سالگی و تحصیل در مدرسه شبانه روزی لائیک و ادامه تحصیل در پزشکی غرب، دارای افکار جانبدارانه ای در مقابل قشر علماست.

**جلد چهارم** به حوادث به توپ بستن مجلس اول و شروع استبداد صغیر و قیام های دیگر مناطق بویژه تبریز می پردازد.

**جلد پنجم** اخبار و حوادث مناطقی که مشروطه طلبان، حکام دولتی را اخراج نمودند، بیان می شوند و این امر یعنی پرداختن به حوادث مشروطیت در شهرهای مختلف چون کاشان، یزد، قزوین و ... که در کمتر منبعی ذکر شده است.

**۵- تاریخ بیداری ایرانیان: ناظم الاسلام کرمانی**

میرزامحمد معروف به ناظم الاسلام از روشنفکران روزنامه نگار دوره مظفری بود. وی به دلیل این که ناظم مدرسه اسلامی بود، به ناظم الاسلام معروف شده است. از نظر فکری و ارتباطات، از مشروطه خواهان فعال بود. برخی از اطلاعات کتابش به دلیل ارتباط با محافل مختلف بویژه علما، در هیچ منبع دیگری ذکر نشده است؛ مثلاً از انجمن سّری به نام انجمن مخفی یاد می کند که پیش از مشروطیت به اهتمام حجت الاسلام طباطبایی ایجاد شده بود و برای ایجاد حرکتی سیاسی در ایران می کوشید. هر چند ناظم الاسلام به تحلیل اجتماعی و اقتصادی این دوره نمی پردازد؛ ولی از خلال نوشته های او، نوعی تحلیل مشاهده می گردد. وی اولین مورخی است که بر نقش پیشه وران و تولیدکنندگان کوچک در ایجاد مشروطیت اشاره کرده است. برخی از مورخین از جمله ملک زاده معتقدند این کتاب برای آیندگان نوشته نشده؛ بلکه برای خوشامد عده ای که در آن زمان می زیستند، به رشته تحریر در آمده و به علاوه مطالب دور از حقیقت جعل کرده و تاریخ را لکه دار نموده است.

این کتاب به ادعای ناظم الاسلام شامل ده کتاب است که مجموع آن امروزه در دو مجلد به چاپ رسیده است. مطالب و موضوعات کتاب، مربوط به اواخر دوره ناصری و آغاز مشروطیت ایران است که اولین حادثه مهم آن، واقعه تنباکو است. وی از مجتهدین و رهبران آزادی که در راه مشروطیت، خدمات صادقانه ای انجام داده اند به نیکی یاد می کند. ناظم الاسلام در سال ۱۳۳۷ ق در مجلسی که با لقمان نفیس، مدیرکل وزارت دارایی آن زمان، داشت، بیان می کند: من دو کتاب دارم. هر وقت توانستید نگذارید آن دو از میان برود و آن را به چاپ برسانید: اول مقامات حریری است که بر حسب خواهش میرزاعلی اصغرخان اتابک اعظم آن را ترجمه کرده ام و به خط نسخ ممتاز متن و به خط نستعلیق ریز ترجمه آن در زیر خطوط، روی کاغذی که مناسب برای چاپ و برگردانیدن روی سنگ چاپ است نوشته و تهیه شده، دوم بقیه تاریخ بیداری ایرانیان که مشتمل بر حوادث استبداد صغیر است و آنگاه هر دو کتاب را به ما ارائه داد.

در بررسی این کتاب مشخص می شود که بیشتر موضوعات در هنگام پیروزی مشروطه خواهان به چاپ رسیده و علت به چاپ نرسیدن برخی مطالب، تسلط مستبدین و دربار محمدعلی شاه و اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی آن دوران بوده است.

مجلد اول با شرح حال مؤلف و یک مقدمه و چند فصل آغاز می شود که در فصل اول، وقایع از سال ۱۳۰۹ و از واقعه رژی شروع می شود. در جلد اول، متفکران بزرگ این دوره چون سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا رضا کرمانی، میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان معرفی می شوند. جلد دوم حوادث مربوط به سال ۱۳۲۴ ه. ق یعنی از واقعه مهاجرت صغری آغاز و تا دستگیری شیخ محمد واعظ و قتل سید عبدالحمید ادامه دارد. جلد سوم مربوط به وقایع مهاجرت کبری و اتفاق های سفارت انگلستان و مشروطه طلبان در آنجاست. در جلد چهارم وقایع به صورت ماهانه بیان شده و شرح وقایع تا محرم ۱۳۲۷ ادامه دارد و علت رخدادها شرح داده می شود. جلد پنجم، شرح وقایع از محرم ۱۳۲۷ و اقدامات مشروعه طلبان علیه طرفداران مشروطه بیان می شود و با شرح محاکمه و دار زدن شیخ فضل ... نوری، کتاب به پایان می رسد. در بیان اهمیت این کتاب همین یک نکته بس که هر تحقیقی پیرامون مشروطیت، بدون مراجعه به این منبع ناقص خواهد بود.

## فصل اول

### کلیاتی پیرامون جنبش مشروطیت

## ۱- مفهوم واژه مشروطیت و بیان دیدگاه های مختلف:

درباره واژه مشروطیت که از کجا و به چه ترتیبی به ایران آمده ، نظریات مختلفی وجود دارد: یکی از دیدگاه ها تعریف فریدون آدمیت در کتاب **فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت** است. مفهوم مشروطیت بعنوان یک نظام حکومتی، مستقیماً از کشورهای غربی به ایران آمده، از طریق منورالفکران، از طریق هیأت های دیپلماتیک و مانند این ها. « این میرزا حسین خان سپهسالار بود که برای اولین بار در سال ۱۲۸۵ ق/ ۱۸۶۸ م هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراتوری عثمانی بود، واژه مشروطه را در خلال بعضی از گزارش های خود به معنی مورد بحث کنونی ما به ایرانیان معرفی کرد.» ( آدمیت، ۱۳۴۰: ۶۶)

همین طور دیدگاه و نظریه محیط مافی که در نوشته های مختلف خود اشاره کرده است. واژه مشروطیت از همان مشروطه غربی گرفته شده و مفهوم آن این است که حکومتی که مشروط به شرایطی باشد؛ یعنی محدود باشد و قدرت لجام گسیخته ای نداشته باشد.

برای تکمیل نظریات مختلف عبدالهادی حائری، می توان این مطلب را با اظهار تقی زاده به این ترتیب گسترش داد که « طهطاوی قانون اساسی ۱۸۱۴ فرانسه را به عربی ترجمه کرد و در کتاب خود بیان کرد: کتابی که حاوی قانون اساسی (فرانسه) است، الشرطه نامیده می شود که در زبان لاتین به معنی یک پاره کاغذ است؛ بدین ترتیب طهطاری کلمه الشرطه را به عنوان معادل لغت لاتینی CHARTA که به زبان فرانسه LA CHARTE گفته می شود، به کاربرد که کتاب خاطرات طهطاوی در مصر چاپ شد، برای اولین بار به دنیای عرب معرفی گردید. متفکرین ترک به مطالب کتاب طهطاوی علاقه وافری داشتند و بنابراین فردی به نام رستم بیک آن را به ترکی ترجمه و در سال ۱۲۵۵ ه.ق/ ۱۸۳۹ م به نام سیاحت نامه در قاهره منتشر کرد و در ترجمه ترکی کتاب، واژه لاتینی CHARTA عیناً به همان شکل عربی خود (بدون الف و لام) که طهطاوی آورده بود؛ یعنی شرطه به کار برده شد.» (حائری، ۱۳۶۸: ۲۱۶)

« واژه مشروطه نیز همچون بسیاری از اصطلاحات کلیدی آن، دوران از جنبش عثمانی های جوان سر منشأ می گرفت، نامق کمال اشاره به یک حکومت مشروطه، تحت عنوان دولت مشروطه داشت و نظامی و کالتی را تحت

توجهات اسلام به نام اداره مشروطه که برای تمامی ملل تحت عثمانی کارآیی داشته باشد، مطرح می ساخت. این اصطلاح از سوی مدحت پاشا در خلال مقطع بی دوام مشروطه خواهی در سال ۱۸۷۶ پذیرفته شد (پارشاطر، ۱۳۸۳: ۴۵)

نتیجه آن که در آستانه نهضت مشروطیت، به افراد مختلفی از منورالفکران و دولتمردان برمی خوریم. حتی خود شاه با واژه مشروطه و مشروطیت آشنا بود و در دید کلی از نظر همه این ها، مشروطه نظامی بود. بر مبنای قانون اساسی که در آن مجلس یا پارلمان وجود دارد، نمایندگان منتخب مردم در این مجلس هستند، شاه دارای حقوق محدود و مشخص است و هیأت دولت در برابر این مجلس مسؤل است؛ اما در مورد تفسیر این نظام حکومتی و نیز رابطه قوا، گروه ها و طبقات اجتماعی مختلف، طرز تلقی خاص خود را داشتند؛ یعنی در این موارد، برداشت یکسان و هماهنگی وجود نداشت.

## ۲- علل پیدایش نهضت مشروطیت:

اگر عوامل مشترک را در نظر بگیریم، بیشترین تأکید بر روی یک عامل عمده و آن ، بیداری و آگاهی ایرانیان است . سه مورخ معروف ناظم الاسلام کرمانی ، احمد کسروی و مهدی ملک زاده روی این مسأله ، تأکید خاصی دارند. دیدگاه مورخان خارجی نیز متفاوت است. یکی از این مورخان، ادوارد براون است. مسائلی که او مطرح می کند، کمابیش همان چیزهایی است که مورخان ایرانی بیان نموده اند؛ با این تفاوت که براون انگلیسی بوده و شخصاً هیچ گونه نفع خاصی در جریان انقلاب ایران نداشته و حوادث و عوامل انقلاب را از نقطه نظر یک نویسنده غیرایرانی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

مورخان دیگر پاولویچ، تریا، ایرانسکی، مورخان روسی، که علل بیداری مردم را با مسائل اقتصادی توجیه می کنند. اساساً مسأله ارضی را بعنوان یک مشکل اقتصادی ایران بیان می کنند و به پیشگیری نظام استبدادی از رشد اقتصادی، امتیازها و فشارهای استعمار اشاره می کنند.

تأکید بر بیداری یا آگاهی برای یک نهضت زمانی به معنای کامل خواهد بود که یک طبقه به وضع موجود آگاه و راه حل هایی برای طرح آینده داشته باشد و عملاً در هیچ جنبشی مردم به این مرحله از آگاهی نمی رسند. معمولاً در جنبش های خودانگیخته ، توده مردم از وضع موجود خودشان ناراضی هستند؛ اما دقیقاً نمی دانند چه

می خواهند. نکته دیگر این که خود عنصر آگاهی و بیداری، معلول عوامل دیگری است. نکته قابل توجه دیگر این که در بررسی یک پدیده تاریخی، همیشه با مجموعه ای از عوامل مواجه هستیم؛ اما این که تا چه حد این عناصر را باید در نظر گرفت، میان مورخان اختلاف نظر است. برخی از مورخان برای بررسی یک پدیده تاریخی به چند قرن قبل برمی گردند که در مورد علل مشروطیت، چنین تمایلی در میان برخی مورخان دیده می شود. بطور کلی علل مشروطیت را می توان به دو دسته عوامل بلندمدت و کوتاه مدت تقسیم نمود.

## ۲-۱ علل بلندمدت:

۲-۱-۱ برخورد با کشورهای اروپایی: کسروی زیر عنوان « ایرانیان چگونه بیدار شدند » شکست های ایران را در برابر روس و انگلیس و رقابت سیاسی آن دودولت را در ایران در مقدمه علل بیداری مردم قرار داده. (کسروی، ۱۳۶۹: ۷)

۲-۱-۲ ناظم الاسلام کرمانی از مسائل و وقایعی سخن به میان آورده که هر چند آن ها را زیر عنوان مشخص «علل و ریشه های انقلاب» نیاورده؛ لیکن روش فصل بندی و طرز نگارش نشان می دهد که نویسنده کتاب، ریشه انقلاب را به دوران سلطنت ناصرالدین شاه مربوط ساخته و واقعه اعطای انحصار توتون و تنباکو از طرف شاه را به یک نفر خارجی و مقاومت منفی مردم را در برابر اراده و فرمان شاه، نخستین نشانه تنبه و بیداری مردم دانسته است.

۲-۱-۳ فشار اقتصادی بر ایرانیان به دلیل کاهش درآمد دولت و دریافت وام های خارجی: « از دوره ناصری مخارج دربار رو به افزایش گذاشت. در دوره مظفرالدین شاه، ولخرجی اطرافیان شاه، این ضعف مالی را تشدید کرد؛ اما دولت قادر نبود منابع مالی جدید ایجاد نماید و به وضعیت مالی خویش سروسامانی بدهد. از نیمه سلطنت ناصرالدین شاه، دولت ایران، با کاهش درآمد روبرو بود که این جریان تا مشروطیت ادامه داشت و دولت برای فرار از مشکلات، وامگیری از بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی را در برنامه خود قرار داد تا غرامت گزافی را به شرکت تنباکو بپردازد. (کدی، ۱۳۸۷: ۲۴۸)

۲-۱-۴ پیدایش طبقات اجتماعی جدید: در دوره قاجاریه، طبقه بازرگانان، گسترش کمی و کیفی دارد. این بازرگانان دارای طیف های گوناگونی بودند. چه از نظر جهت گیری تجارت در داخل یا خارج، چه از نظر وسعت تجارت.

بسیاری از این بازرگانان، به صورت دلال کالاهای بیگانه از سیاست های اقتصادی ناراضی بودند و از تسلیم دولت در برابر بیگانگان، دل خوشی نداشتند. بیداری بیشتر بازرگانان نسبت به دیگر اقشار جامعه، معلول چند عامل بود: آن ها به دلیل ارتباط با دنیای خارج از رویدادهای کشورهای خارجی آگاه و نسبت به این دگرگونی ها حساس بودند. نیز به علت وضعیت اقتصادی، به طور نسبی با کتاب ها و نوشته ها و روزنامه های چاپ شده در خارج، آشنایی داشتند. همین طور ایشان نسبت به دولت استقلال مالی داشتند؛ بنابراین برای خود حقوق اجتماعی و سیاسی ویژه ای خواستار بودند. پس در این دوره منورالفکرانی از میان طبقه بازرگان ظهور نمودند که دارای جهت گیری های مختلف بودند: از جمله یک بازرگان ایرانی الاصل ثروتمند به نام تقی اف که در قفقاز، مبادرت به گشودن مدارس دخترانه و پسرانه برای ایرانیان نمود. این فرد نسخه هایی از روزنامه حبل المتین را خریداری کرده و برای علما می فرستاد. همچنین افرادی چون طالبوف و حاج زین العابدین مراغه ای، به نگارش کتاب برای آگاه ساختن ایرانیان پرداختند.

**۲-۱-۵ رقابت استعماری روس و انگلیس:** در دوره قاجاریه رابطه بین این دو کشور بر مبنای یک رشته سازش ها و رقابت ها وجود داشت. هر کدام سعی می کرد نفوذ خود را بر ایران توسعه دهد. در حین حال سازش هایی نیز با هم داشتند. در دوره ناصرالدین شاه بخصوص از اواسط دوره سلطنت، نوعی توازن در ایران برقرار شد. در دوره مظفر الدین شاه این توازن به هم خورد و نفوذ روسیه در ایران بخصوص در دوره صدارت میرزاعلی اصغرخان اتابک (امین السلطان) بیشتر شد. تنها صدراعظم دوره مظفرالدین شاه که طرفدار روسیه شناخته نمی شد، میرزاعلی خان امین الدوله بود که بیشتر گرایش به سیاست انگلستان داشت. بدون آنکه آلت دست آن ها باشد. بخصوص در آستانه نهضت مشروطیت و پس از آن دوره محمدعلی شاه نفوذ روسیه در ایران بسیار چشمگیر بود و علت نارضایتی مردم، ناتوانی و زبونی در برخورد با این کشورهای بیگانه در کلیه عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بود.

« زبونی و حالت تسلیم و رضای سلاطین قاجار در برابر بیگانگان خاصه روسیه و انگلیس و باز کردن دست سیاست های بیگانه در امور داخلی ایران و وام خواهی از خارجیان و قبول تعهدات کمرشکن منافی استقلال در برابر وام های خارجی، از جمله عواملی بود که روحیه عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار دارد و ایمان مردم را نسبت به سلاطین قاجار متزلزل ساخت. سوء ظن و بدبینی عمومی به پایه ای رسید که شاه قاجار را دست نشانده خارجی و درباریان و وزرا و مصادر امور را اعمال بیگانه می دانستند.» (شمیم، ۱۳۷۰: ۴۴۰)



یکی از علل نارضایتی مردم از دستگاه حاکم که مربوط به دول بیگانه است، سرزمین هایی بود که به وسیله دولت های استعمارگر روس و انگلیس از ایران جدا شد. « مناطق جدا شده توسط روسیه عبارت بودند از: در شمال غربی کل قفقاز و در شمال شرقی ایالت های مرو و آخال و... سرزمین های جدا شده از ایران توسط انگلستان عبارت بودند از: ایالت های هرات و قندهار که بعدها تحت الحمایه انگلیس شدند و قسمت اعظم بلوچستان که ضمیمه هندوستان گردید و به تصرف انگلیس ها درآمد. (محیط مافی ، ۱۳۶۳: ۲۹)

**۲-۱-۶ شکل گیری مخالفت علما:** به تدریج در بین گروهی از علما با سیاست های دولت در زمینه های گوناگون اختلاف افتاد. علما با افزایش نفوذ بیگانگان مثل عرصه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی مخالف بودند. آن ها با آمدن مستشاران و مستخدمین بیگانه به ایران وبخصوص دخالت روزافزون آن ها در مسائل ایران مخالفت داشتند. همین طور وام های پیاپی که از بیگانگان گرفته می شد و واگذاری امتیازات گوناگون، مخالفت آن ها را بر می انگیخت و کم کم این فکر پیدا شد که دولت، سرزمین اسلام را به کفار می فروشد؛ اما علما یک گروه منسجم و از نظر تفکر سیاسی و اجتماعی یک پارچه نبودند. « بنابراین علما نیز براساس چگونگی اتخاذ مواضع عملی آنان در برابر حکومت و مناسبات آنان با شاه و دربار به گروه اصلی علمای ساکت، علمای معتقد به همکاری با حکومت و علمای مخالف حکومت تقسیم شده بودند. اتخاذ مواضع هر یک از گروه های مختلف در برابر حکومت، که شدت ضعف آن متفاوت و در شرایط مختلف متغیر بود، ماهیت، علل، انگیزه ها و کارکردهای مختلفی داشت. (آجودانی ، ۱۳۸۵: ۱۸)

حکومت قاجاریه در رویارویی خود با علمای دینی مخالف حکومت، بایک چالش اساسی روبرو بود: نمی توانست در برابر نفوذ اجتماعی علمای مخالف حکومت که بامناف حکومت مغایرت داشت، بی تفاوت باشد و نیز هرگونه واکنش و اقدام حکومت برای محدود کردن و تضعیف نفوذ اجتماعی علما، می توانست واکنش متقابل علما در جهت افزایش مخالفت با حکومت را به دنبال داشته باشد.

« در این زمان در ایران روحانیون غیر رسمی زیادی وجود دارند به نام مجتهد. توده های خلق به اینان با نظر تقدیس می نگرند. اینان نفوذ غیر قابل بیانی میان مردم دارند... اینان، این پرولترهای فکری، چون بینوایان امرار معاش کرده و شریک غم و شادی توده های فقیر و سیه روز خلق هستند و روی این اصل با حکومت مخالفند. هر قدر

حکومت مرکزی می خواهد دایره نفوذ روحانیون را محدودتر سازد، بر شدت مخالف این دسته افزوده می شود.

(پاولویچ ، و.تريا ، س.ایرانسکی ، ۳۲ ، ۳۳)

« باور عمومی آگاهان به تاریخ ایران بدرستی آنست که مهم ترین نیروی پشتیبان انقلاب مشروطیت، همانا علما

بودند. اگر آنان انقلاب را تأیید نمی کردند، مسلماً در نطفه خفه می شد... اندیشه مشروطه خواهی که علمای ایرانی

بر طبق شیوه ویژه خود، مورد پژوهش قرار دادند، به طور بنیادی از بورژوازی باختر سرچشمه گرفته ولی از راه

نوشته های روشنگران دنیای اسلام از جمله اندیشه گران سده ۱۹ ایران، بدانها رسیده بود.» (حائری ، ۱۳۸۱: ۵)

**۲-۱-۷ پیامدهای جنبش تحریم تنباکو:** این جنبش که تأثیر بسیار عمیق و پاینده ای بر گروه های مختلف

اجتماعی گذاشت، از جهات مختلفی اهمیت داشت: اول این که نشان داد چگونه یک حرکت در سطح محلی و به

صورت پراکنده می تواند به یک جنبش سراسری و ملی تبدیل شود. دوم نشان داد که احتمال همکاری علما،

بازرگانان و منورالفکران در راه هدفی واحد وجود دارد. سوم ثابت کرد نیروهای سرکوب گر دولتی اعم از قزاق ها یا

سربازان در برخورد با جنبش مردمی، نیرویی نیستند که دولت بتواند بر آن ها تکیه کند و در نهایت این که سطوت و

مشروعیت پیشین دولت، شکسته شد.

از طرف دیگر دولت بجای این که دست به اصلاحاتی بزند و یا به مردم حق اظهار نظر بیشتری بدهد، به سیاست

سرکوب و خشونت روی آورد که از مصادیق آن می توان به سانسور مطبوعات، جلوگیری از ورود روزنامه های چاپ

خارج، جلوگیری از مسافرت ایرانیان به خارج از کشور، شناسایی و سرکوب طرفداران اندیشه های مخالف اشاره کرد.

بخصوص در این دوره کوشیدند تا طرفداران سیدجمال را در ایران شناسایی و دستگیر کنند. این سیاست سرکوب،

بازتاب تدریجی در میان مردم ایجاد کرد.

ناظم الاسلام کرمانی از آن جا که مطلع کتاب تاریخ بیداری ایرانیان رابا واقعه رژی شروع نموده، این حادثه مهم

را به نوعی در انقلاب مشروطه دخیل می داند. «در سنه (۱۳۰۹) کمپانی رژی ، امتیاز دخانیات را از ناصرالدین شاه

گرفت که بیع و شرای دخانیات منحصر به یک اداره باشد و به عوض، چند کرور به شاه و درباری ها داد و به همه

ایران، گماشتگان فرستاد و اداره خود را دایر نمود. حتی در قری و دهات کس فرستاد و به مردم سخت گرفتند.

بزرگان ایران از علما و غیره هم بر معایب و وخامت این عمل واقف شدند که امروز دخانیات محدود شد، فردا نمک و

روز دیگر هم هیزم و زغال و آب و ... و به ازای آن مبالغی گرفته خواهد شد و صرف آبادی مملکت نخواهد شد.  
(ناظم السلام، بی تا: ۱۷)

احمد کسروی همانند ناظم الاسلام به صراحت در مورد آغاز بیداری ایرانیان، بحث توتون و تنباکو را پیش می‌کشد. البته پیشروی این نهضت را تبریز می‌داند: «پیش از همه تبریز به کاربرخاست و مردم آگهی های کمپانی را که به دیوارها چسبانده بودند، پاره کردند و به جای آن، نوشته های شورآمیزی چسبانیدند. کمپانی ناگزیر شده، خواست دلجویی نماید و چنین پیشنهاد داد که کارکنانش در آذربایجان، جز از آذربایجان نباشد؛ ولی مردم این را نپذیرفتند و در شور و تکان ایستادگی پس از تبریز، اسپهان به تکان آمد و پس از آن در تهران شور و جنبشی پیدا گردید. (کسروی، ۱۳۶۹: ۱۶)

**۸-۱-۲ بیداری اجتماعی:** نظام استبدادی که در ایران حاکم بود، بر همه طبقات فشار می‌آورد. هر کدام از این طبقات به ترتیبی زیر این فشار بودند؛ بنابراین با جمع شدن عوامل دیگر، نوعی آگاهی نسبت به نظام حاکم و راه های خلاصی از آن به تدریج در بین طبقات مختلف بوجود آمد. عوامل این آگاهی بسیار متعدد بود؛ بعنوان مثال آشنایی با کشورهای بیگانه که بازرگانان یا عاملان آن ها به خارج رفته و با پیشرفت های گوناگون از نظر سیاسی و اجتماعی آشنا شده بودند. نیز روزنامه های چاپ خارج به زبان فارسی به ایران می‌آمد. گسترش و پخش ادبیات انتقادی در ایران و آگاهی نسبی گروه هایی از ایرانیان به انواع رژیم های سیاسی، باعث شده بود تا علاقه و توجه نسبت به رویدادهای بزرگ خارجی جلب شود؛ بنابراین مطالب مختلف مثل انقلاب روسیه، جنگ بوئرها (ترانسوال) در آفریقای جنوبی و جنگ روسیه و ژاپن با پیشرفت نظام مشروطیت در ژاپن که مردم در مورد آن ها صحبت می کردند، نتایجی چون بیداری مردم و توجه آن ها به رویدادهای سرنوشت ساز به همراه داشت. ایرانیان بر اساس تفکر خود، از این تحولات خارجی نتیجه گیری هایی درست یا نادرست می کردند؛ مثلاً شکست روسیه از ژاپن را معلول این نکته می دانستند که در ژاپن نظام مشروطه برقرار شده، در حالی که در روسیه نظام استبدادی حاکم است؛ بنابراین مشروطیت را عاملی برای پیشرفت و استبداد را عاملی برای عقب ماندگی می دانستند.

ملک زاده مسافرت ایرانیان به خارج را دخیل می‌داند: «ایرانیان که در محیط تاریک و ناامن ایران زیست می کردند، چون راهی دنیای وسیع و نورانی و آباد کشورهای مرفعی می شدند، چنان شیفته اوضاع و دستگاه آن ها

می گشتند و مجذوب ترقیات مادی و معنوی آن ملل می شدند که چون به کشور خود بازمی گشتند، داستان های شگفت آوری که برای شنوندگان غیرقابل باور به نظر می رسید، نقل می کردند.» (ملک زاده، ۱۳۸۳: ۸۴)

**۹-۱-۲ شکست اصلاحات در دوره ناصری و پیامدهای آن:** درنیمه دوم دوره ناصری، دولت ناتوان است. مردم عادی واکنش چندانی نشان نمی دهند و قشر روشنفکر گسترده ای هم بوجود نمی آید. در این شرایط برخی از افراد برای بهبود وضعیت دگرگونی تحت عنوان اصلاحگر، اقداماتی را پیشنهاد می کنند. خیلی از این افراد خواهان مخالفت با شخص شاه نبودند و حتی امید داشتند این اصلاحات توسط خودشاه انجام گیرد. خلاصه آن که هر کدام از این افراد چون محمدخان سینکی (مجدالملک) و امین الدوله دست به اصلاحاتی زدند؛ اما سرانجام با شکست مواجه شدند و نتوانستند اقدام چندان عمیقی در جهت تحول اجتماعی انجام دهند. آنچه مهم است این که شکست این اصلاحات که به دلایلی چون ۱- سطحی باقی ماندن این اصلاحات و این که در میان مردم عادی رشد و پشتوانه اجتماعی پیدا نکرد. ۲- این اصلاحات که ارائه می شود به شخص شاه برمی گردد و خود شاه تصور می کند که با انجام اصلاحات قدرت استبدادی او کم می شود. ۳- روحانیون یکی از مراکز قدرت اهمیت بخصوص در امر قضاوت دارند. معمولاً این اصلاحگران می خواستند که قضاوت را غیر روحانی و جهانی کنند؛ لذا این امر موجب کاهش درآمد روحانیون و مخالفت آن ها می گردید؛ اما آنچه مهم است نتایج این شکست بود. با توجه به اینکه حرف اصلی اصلاحگران، قانون و اصلاح دربار بود، یکی از مهمترین نتایج شکست این که اصلاحگران معتقد بودند تا زمانی که نظام حکومتی به این ترتیب است، کاری از پیش نخواهند برد؛ چرا که خود شاه از مخالفان این برنامه ها است؛ لذا نوعی روند مخالفت با نظام بوجود آمد. نکته دیگر این که نوعی بیداری در بین مردم نیز شکل گرفت که نهایتاً خواهان حکومت قانون و محدود شدن قدرت شاه شدند. حتی امین الدوله که در راستای اصلاحات می خواست اقداماتی انجام دهد، با ناکامی مواجه شد: «وقتی امین الدوله نتوانست وام جدید از بریتانیا بستاند و تلاش های اصلاح طلبانه او درمورد قانون، اداره امور مالی و آموزش و پرورش با مخالفت علما و درباریان مواجه شد، از کار برکنار گشت و امین السلطان دوباره در ۱۸۹۸ م / ۱۲۷۷ ه.ش به قدرت بازگشت. کوشش های امین الدوله برای اصلاح امور مالی و تمرکز کارها، نظیر اقدامات مشابه اصلاح طلبانه وزرای قبل از او به علت مخالفت گروه های صاحب منافع در دربار و برخی مقامات دولتی و علما ناکام ماند. (کدی ، ۱۳۷۸: ۲۵۴)